

تحولات کالبدی-فضایی شهرهای ایرانی-اسلامی در عصر حاضر (مورد مطالعه شهر بیرجند)*

جواد میکانیکی^۱، راضیه آرزومندان^۲

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه بیرجند

۲- کارشناس ارشد جغرافیا، دانشگاه بیرجند

چکیده

ایجاد و گسترش شهرها همواره از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و البته طبیعی تأثیر پذیرفته و فضاهای کالبدی شهر نیز تحت تأثیر این عوامل تکوین و رشد یافته‌اند. پژوهش حاضر بر آن است که ضمن بررسی و تبیین روند کلی تحولات فضایی-کالبدی شهر بیرجند، این تحولات را در دو دوره زمانی مورد تدقیق قرار دهد. دوره پیش از ورود تفکرات مدرنیته یعنی زمانی که حاکمیت معماری درون گرای بومی ایرانی، در کالبد شهرها چشم‌اندازی مطابق با آموزه‌های دینی و اسلامی را به نمایش می‌گذارد. دوره دوم، دوره پس از ورود مدرنیسم به زندگی شهری است؛ زمانی که شهر تحت تأثیر تحولات سریع جمعیتی و شهرنشینی، چهره جدیدی به خود می‌گیرد و معماری برون‌گرای امروزی در کلیه ابعاد زندگی شهری و البته فضاهای کالبدی و فیزیکی آن ظهور و بروز پیدا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تحولات کالبدی-فضایی، شهرهای ایرانی-اسلامی، بیرجند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

شهرها در گذر زمان دچار تحول و دگرگونی شده‌اند. عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و طبیعی هر یک بنابر مصالحی هسته اولیه شهرها را شکل داده‌اند و کالبد شهر نیز از این تحولات تأثیر پذیرفته است. در دوره نوین تحولات شهری، تغییرات با سرعت بیشتری چشم اندازی متفاوت از گذشته را برای شهر ایجاد کرده‌است؛ بدین ترتیب شهرهای امروزی را می‌توان به دو بخش سنتی و جدید تقسیم‌بندی نمود که هر یک دارای ویژگی‌های فضایی و کالبدی خاص خود است. بخش سنتی، هسته اولیه، بافت قدیمی و تاریخی را شامل می‌شود و بخش جدید بافت میانی، نوساز و پیرامونی شهرها را به خود اختصاص داده‌است. ساخت هر شهر از یک سو نمایانگر هماهنگی فضای کالبدی شهر با شرایط و عوامل مزبور (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و طبیعی) و از سوی دیگر گویای چگونگی جریان فعالیت‌های اصلی شهر می‌باشد. نحوه توزیع فضایی فعالیت‌ها و عناصر کالبدی در حد امکان در جهت تسهیل حیات شهری در همه عرصه‌های فردی، خانوادگی و جمعی و از جمله در زمینه سهولت جریان ارتباطات، جریان پول و کالا، انتقال اطلاعات و غیره شکل می‌گیرد (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۲۹۰).

شهرهای ایرانی که بر اساس قواعد و قوانین خاصی پی‌ریزی شده‌بودند با نفوذ اسلام از اصول و آموزه‌های دینی نیز متأثر گردیدند. «شهرهای بسته و کاملاً خصوصی، ویژه دوران اسلامی هستند که هنوز هم در بعضی نقاط سنتی دیده می‌شوند. در این الگو، شکل شهر و اجزای آن محصور بوده و دارای در و دروازه می‌باشند و راه‌های ارتباطی محصور و بن‌بست‌های بسیار تنگ و باریک و سپس ورودی‌های خصوصی دارند» (لینچ، ۱۳۸۱: ۵۰۹). بدین ترتیب «شهر ایرانی-اسلامی برآیند کنش‌ها و تأثیر و تأثرات متقابل عوامل گوناگون شهرآفرین درونزا و برونزا می‌باشد که در سیر تکامل تاریخی، بستر جغرافیایی قلمرو این شهرهاست» (مومنی، ۱۳۷۳: ۱۵). بنابراین لزوم وجود نگاهی کل‌گرایانه و انسانی به شهر (شهرهای انسانی)

و نه شهری با اجزای پراکنده و نابسامان و بی‌هویت در زمان حاضر ضروری می‌نماید.

توسعه فیزیکی شهر در ایران به نحو محسوسی در دوره‌های زمانی خاص اتفاق افتاده‌است، هدف این مقاله بررسی تغییر و تحولات کالبدی- فضایی شهر بیرجند به عنوان نمونه‌ای از شهر ایرانی-اسلامی است. این پژوهش بر پایه فرضیات ذیل انجام گرفته است:

- شهر سنتی بر اساس معماری همگرا، متأثر از روابط همسایگی و در نظر گرفتن حریم شخصی و پیوستگی فضاهای کالبدی شکل گرفته است.

- راه‌یابی مدرنیسم به تفکرات شهرسازی، آرایش فضایی و عناصر تشکیل دهنده شهر ایرانی-اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و ساخت شهری گسسته‌ای را سبب شده‌است.

مواد و روش شناسی

از نظر روش‌شناسی، تحقیق حاضر ترکیبی از روش‌های توصیفی-تحلیلی است. داده‌های این پژوهش از طریق بررسی اسناد و مکتوباتی که به شکل‌گیری شهر بیرجند و دوره‌های گوناگون گسترش آن، اشاراتی داشته‌اند، گردآوری شد. مشاهده میدانی فضاهای کالبدی نیز در تکمیل اطلاعات مورد توجه بوده است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شرایط محیطی در شکل‌گیری سکونتگاه‌ها و نحوه فعالیت جمعیت مؤثر است بنابراین شناخت ویژگی‌های جغرافیایی هر منطقه گام نخست برای تحلیل و بررسی پیشینه، شرایط موجود و برنامه‌ریزی‌های آینده است. شهر بیرجند واقع در عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۵۳ دقیقه و در طول جغرافیایی ۵۹ درجه و ۱۳ دقیقه در ارتفاع ۱۴۹۱ متری از سطح دریا قرار دارد و در میان دو رشته‌کوه به نام‌های باقران (در جنوب) و مؤمن‌آباد (در شمال) که به صورت موازی از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد یافته‌اند، واقع شده‌است. حد فاصل این دو رشته کوه، دشت بیرجند، شهر بیرجند و روستاهای اطراف

در محدوده مورد مطالعه نیز محققانی به مطالعه مراحل شکل‌گیری شهر و دوره‌های رشد و توسعه آن پرداخته‌اند.

آن را در برگرفته‌است (ثقفی، ۱۳۸۴: ۹۷).

پیشینه تحقیق

پژوهشگران از زوایای مختلف، مسأله شکل‌گیری شهرها و سپس نحوه گسترش آن‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند: مشهدی‌زاده در بخشی از کتاب خود با عنوان «تحلیلی/زیورگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران» (۱۳۷۴)، فعالیت‌های شهرسازی و نحوه شکل‌گیری طرح‌های جامع شهری و مسائل موجود و نقاط ضعف و قوت آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است.

توسلی در اثری با عنوان «فضای معماری و شهر ایرانی در برابر غرب» (۱۳۷۴)، با بررسی سه دوره تاریخی دوران پیش از تسلط مدرنیسم یا نوگرایی، مدرنیسم و عصر حاضر، آگاهی عمیق و معرفت به معماری و فضای شهر ایران، همراه با خواست و خلوص ملی را تنها راه‌حل شکوفایی دوباره شهر ایرانی و جلوگیری از استحاله کالبدی آن می‌داند.

حبیبی در کتاب «زسار تا شهر» (۱۳۷۵)، با تحلیلی از فرایند تاریخی توسعه، به بیان تأثیرپذیری شهر ایرانی از الگوی غربی در گذر تاریخ می‌پردازد و معتقد است شهر، در فرایند تاریخی خود تحت تأثیر برنامه‌های درون‌زا و برون‌زا تغییر ماهیت داده‌است. حسامیان نیز در مقاله‌ای با عنوان «شهرنشینی مرحله

گذار» (۱۳۸۳)، مراحل شهرنشینی را از رشد بطئی از ۱۳۰۰ و مرحله گذار به سرمایه‌داری، دوره مدرنیزاسیون و مرحله سریع شهرنشینی از ۱۳۴۰ به بعد مورد بررسی قرار داده‌است.

یزدانی و پورا احمد در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی» (۱۳۸۶)، شهر تبریز را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

در بخشی از کتاب «بهبودی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، حبیبی و همکاران» (۱۳۸۶)، سابقه طرح‌های شهری و تحولات شهرسازی را در دوره‌های زمانی مشروطه، نوسازی و پیدایش الگوهای غربی و مدرنیسم و پس از آن، در تحولات کالبدی شهرها مورد توجه قرار داده‌اند.

ساختار شهرهای ایرانی-اسلامی

شکل‌گیری شهرها در دوره اسلامی

دوره اسلامی شروع فصلی جدید در رونق و شکوفایی شهرها است. پس از گسترش و تحکیم اسلام در ایران می‌توان قرون سوم و چهارم هجری و حتی تا قرن ششم را دوره شکوفایی مجدد شهرنشینی در بلاد ایرانی-اسلامی دانست.

عناصر اصلی زندگی شهری دوره اسلامی شامل حکومت، امت، اصناف و محلات است. به این ترتیب اجزای اصلی نظام اجتماعی شهرها با اجزای سیمای شهر رابطه نزدیک دارد یعنی مرکز اداری و حکومت شهر، مساجد و مدارس مرکز مذهبی، بازار مرکز اصناف و محلات شهر مرکز زندگی گروه‌های اجتماعی، قومی، نژادی و مذهبی بوده‌است (بذرگر، ۱۳۸۲: ۹۷). در این دوره، شهرها دارای مسجد جامع و ارگ حکومتی بودند که این دو فضا توسط بازار به یکدیگر متصل می‌شد (شیعه، ۱۳۸۴: ۲۰۰).

بنابراین نوعی پیوستگی بین اجزای اصلی ساخت شهر که مراکز تجمع و تمرکز نیز محسوب می‌شدند، به وجود آمد.

براساس مدل دتمان و ویرث، کارکردهای اصلی و ویژگی‌های اساسی شهر سنتی شرق اسلامی بدین قرار است:

۱- وجود سلسله مراتبی از کارکردها، با مسجد آدینه (کارکرد دینی) و بازار (کارکرد اقتصادی و قلب فعالیت‌های کسب و کار سنتی) به عنوان هسته مرکزی فضایی هر شهر اسلامی.

۲- وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه‌وری در درون بازار به طوری که نه تنها نظم و ترتیب مشخصی از فعالیت‌های کسب و کار و صنف‌بندی در سراسر مجموعه بازار به چشم می‌خورد بلکه از نظر بازرگانی، دکان‌ها با کالاهای مرغوب و طراز اول در مجاورت هسته بازار و گذرگاه‌ها یا راسته‌های معتبر بوده و داد و ستد کالاهای کم ارزش‌تر در فاصله دورتری از مرکز، جایگزین شده‌اند.

۳- وجود محلات مسکونی درون شهری (کارکرد مسکونی) با

شکل گیری شهرها در دوره نوین

مدرنیته رویکردی فلسفی، اخلاقی و تحول فکری در جهت گسست سنت هاست. گوهر مدرنیته دگرگونی است اما واژه مدرنیسم یا نوگرایی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به صورت گسترده مطرح شد (شماعی و پور احمد، ۱۳۸۴: ۱۷۴). الگوی رشد شهر تا قبل از مدرنیسم الگویی درون‌زا، محلی و ارگانیک بود، بخش اصیل و سنتی شهرهای ایرانی از نظر سبک معماری سازگار با خواست ساکنانش بود اما زمانی که رشد شهر تحت تأثیر اقتصاد سیاسی و پیوستگی با بازارهای جهانی و صنعتی شدن قرار گرفت به کلی دگرگون شد و تا حد زیادی از معماری همساز با آرامش انسانی فاصله گرفت.

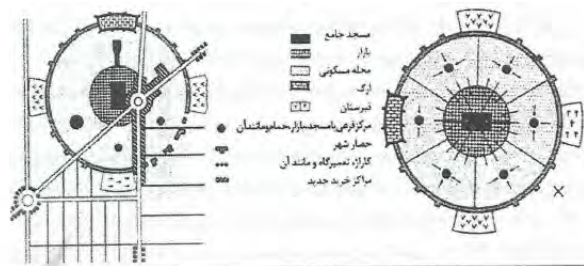
«نوسازی و مرمت با الگویی از غرب به صورت آنی صورت گرفت. از این رو ظرفیت‌های ساختاری شهرها را به شدت دچار تغییر و درهم ریختگی نمود. هجوم از روستاها و شهرهای کوچک، هجوم کالاهای وارداتی، سرمایه، ماشین و صنعت مدرن، آداب بیگانه و هم‌چنین بمباران رسانه‌ای و توسعه غیر درون‌زا و ... باعث شد که این شهرها علاوه بر نارسایی‌های شهر غیرمدرن به تمامی ناهنجاری‌های شهر مدرن نیز مبتلا شوند» (کلانتری و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۲۳). دوران سلسله قاجار به‌ویژه به عنوان دوران عرضه داشت‌های فرهنگی و هنری و جنبش‌های مهم مردمی، دارای برجستگی‌های گیرای بسیاری است. این دوران مرحله اصلی‌گذار از جامعه و فرهنگ ایرانی پیش از مدرن، به توسعه نوین ایران نیز به شمار می‌آید (کدی، ۱۳۸۱: ۹). اواخر دوره قاجار آغاز تحولات ساختاری شهرهای ایرانی است که با ظهور عناصری چون خیابان، پاساژ، مراکز تجاری و تغییر تقاضای مردم از زندگی شهری و دگرگونی در نیازها، تجلی پیدا می‌کند. این زمان شروع دوره‌ای است که مدرنیته نامیده می‌شود.

به تدریج خیابان‌ها شکل می‌گیرند. امکان دسترسی به مراکز دورتری از مرکز شهر به وجود می‌آید و کسب و کارها به حاشیه خیابان‌ها منتقل می‌شود و به تدریج نقش بازار در حیات شهر تضعیف می‌شود. «در این دوره، احداث و استقرار

جدایی‌گزینی مناسب و هماهنگ با تفاوت‌گذاری‌های اجتماعی، قومی، دینی و ... مردم شهر.

۴- وجود تأسیسات و استحکامات نظامی-دفاعی (کارکرد دفاعی) مانند حصار، برج و بارو، دروازه‌ها، بندها و دربندهای محلات.

۵- و بالاخره مشخصات خاص دیگری نظیر گورستان‌ها و بازارهای دوره‌ای بیرون باروی شهر (اهلرس، ۱۳۷۳: ۳۰ و ۳۱).



مدل دتمان از شهرهای اسلامی سنتی / مدل دتمان از شهرهای اسلامی مدرن

مأخذ: یزدانی و پور احمد، ۱۳۸۶: ۳۲

اسلام بر خصلت پوشیده و محفوظ زندگی خانوادگی تأکید داشت. خانه‌ها تقریباً همواره در یک سطح بود و شهر شامل مجموعه‌ای از خانه‌ها می‌شد که نمای بیرونی آن‌ها شکل فضای داخلی یا اهمیت آنها را نشان نمی‌داد. خیابان‌ها تنگ و باریک (به عرض دو متر) بود و مارپیچی از کوچه‌های پر پیچ و خم و غالباً سرپوشیده را تشکیل می‌داد. این خیابان‌ها و کوچه‌ها تا جلوی در ورودی خانه‌ها ادامه می‌یافت اما هیچ تصویری از ماهیت یا ابعاد محله به دست نمی‌داد. یک جنبه دیگر این بود که دکان‌ها نه به صورت فراهم در میدان بلکه در طول یک یا چند خیابان سرباز یا سرپوشیده کنار یکدیگر قرار می‌گرفت و بازار را شکل می‌داد (بنه ولو، ۱۳۸۶: ۱۰). از این رو شهر اسلامی با معماری شهر ایرانی که تا حدود زیادی همین ویژگی‌ها یعنی رعایت حریم‌ها، استقلال محلات، پیوستگی فضاها و ... را داراست انطباق پیدا می‌کند.

ب- یا این که باز سرگذراندن جریان تجدد و غرب گرایی، محصور در گسترش‌های نوین شهری، همچون گواهانی بر ساختار شهری پیشین، به گونه‌ای متفاوت در برابر مادرشهر نوین به حیات خود ادامه دادند (اهلرس، ۱۳۷۳: ۳۲). رشد شهرنشینی باعث شده شهرهای کوتاه اندام و آرام دیروز به بزرگترین مراکز شهری امروز تبدیل شوند و شهر به مرکز، حاشیه، شمال و جنوب تقسیم شود و طبقاتی شدن محلات شهر سرعت گیرد (فرید، ۱۳۷۳: ۸). بدین ترتیب بافت شهری به جا مانده از این دوره، نوعی دوگانگی و تعارض را در بخش سنتی و جدید نمایان می‌سازد؛ از این رو مهم‌ترین ویژگی این دوران را می‌توان دووجهی شدن شکل شهر دانست.

ویژگی‌های کالبدی شهر بیرجند: آغاز شکل‌گیری و گسترش

تاریخ شکل‌گیری شهر بیرجند چندان واضح و مشخص نیست اما مطمئناً اجتماع جمعیتی اندکی در مقر و موقع فعلی آن زمینه‌ساز پیدایش هسته نخستین شهر شده است. «احتمالاً پیش از ۱۰۰۰ سال پیش آبادی کوچکی در محل تلاقی دامنه کوه‌های باغران در جنوب و شکراب در شمال شکل می‌گیرد. مقر و نشستگاه اولیه شهر بر بستری ناهموار در پای تپه ماهورهایی که اغلب ۱۰۰ متر از اطراف مرتفع‌تر است واقع شده و با گذشت زمان از پای دامنه بر روی تپه‌ها گسترش یافته است. دلایل اصلی شکل‌گیری در مقر فعلی را می‌توان در دو عامل موقعیت میان راهی و گذرگاهی و موقعیت جغرافیایی شهر بیرجند دانست» (وفایی فرد، ۱۳۸۴: ۱۷۶). «طبق مندرجات تاریخ سیستان، شروع گسترش و آبادانی بیرجند را باید در زمان خلفای عباسی و در حدود ۱۵۰ هجری قمری جستجو کرد» (خزائنی، ۱۳۵۵: ۱۹).

با افزایش ارتباطات تجاری و بازرگانی و البته تا حدودی به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی بیرجند، شهر به تدریج گسترش می‌یابد. از منابع تاریخی موجود چنین برداشت می‌گردد که بیرجند یکی از ولایات قهستان بوده است و برای اولین بار

مراکز دولتی در بخش‌های نوساز و نواحی مناسب، منجر به تجزیه شهر به بخش‌های طبقاتی گردید. نقش عناصر مذهبی در فضای کالبدی شهر تضعیف شد و نظام محله‌ای در هم شکست و فضاهای مسکونی بدون توجه به فضاهای آموزشی، خدماتی و عمومی لازم گسترش یافتند» (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۲۹۸).

با روی کار آمدن رضاخان فعالیت‌های جدید در تمام سطوح ملی به ویژه شهرها آغاز شد. بافت تاریخی شهرها که تا این زمان در درون حصارها و باروها محبوس بود پذیرای جمعیت اضافی نبود. به تدریج با فرو ریختن حصارها، جمعیت شهر به بیرون و در اراضی بکر و عمران نشده، استقرار یافت و ساختار محدوده‌های تاریخی شهرها که با تکنولوژی و شبکه معابر آن روز هماهنگی نداشت ضرورت اقدام‌های متعددی را طلب می‌کرد (کلاتری و پوراحمد، ۱۶۷: ۱۳۸۴). از ۱۳۰۰ به بعد با تغییر در شکل شهرها و از بین رفتن تدریجی بافت‌ها و بناهای قدیمی به نوعی مدرن شدن و ایرانی شدنی که مدنظر رضاخان بود در نوسازی کالبدی مورد توجه قرار گرفت. از جمله اقداماتی که در این دوره انجام گرفت «احداث خیابان‌ها و میدان‌ها با وسعت کافی (متناسب با نیازهای شهرسازی آن زمان) در مراکز شهرها و مخصوصاً محله‌های قدیمی و نامتناسب با اصول شهرسازی و امتداد آن‌ها تا انتهای شهر. این خیابان‌ها غالباً به صورت موازی و متقاطع و در جهت‌های مشخص شمالی-جنوبی یا شرقی-غربی و به حالت گذر بندی شطرنجی احداث و موجب شد که عبور و مرور ترافیک و دسترسی به نقاط مختلف شهر با وسایط نقلیه موتوری و تأمین سرویس‌های عمومی را آسان کند. تخریب محله‌های غیرقابل اصلاح و گورستان‌هایی که در مرکز شهر قرار گرفته بودند. احداث خیابان‌های کمربندی، توسعه و اصلاح بعضی از معابر در محله‌های قدیمی از جمله دیگر اقدامات انجام گرفته بود» (نیامی و دانش، ۱۳۴۴: ۱۴۶).

بدین ترتیب پدیده جهانشمول شهرنشینی، شهرهای شرق اسلامی را نیز در بر گرفته و آن‌ها را دستخوش تغییر ساخت: الف- یا شهرهای قدیمی و سنتی در درون جریان عمومی شهرنشینی به تجدد یا غرب‌گرایی کشیده شدند و تغییر یافتند.

بدین ترتیب بافت تاریخی بیرجند عناصر مختلفی نظیر مسجد جامع، مدرسه شوکتیه، بازار، ارگ حکومتی و خانه‌های سنتی با معماری ایرانی را در خود جای داده‌است.

یکی از بارزترین ویژگی‌های شهرهای اسلامی وجود عنصر محله می‌باشد به نحوی که بخش وسیعی از شهر را محلات مسکونی در بر می‌گرفته‌است (پاکزاد، ۱۳۷۰: ۱۸). هر محله در زمینه تأمین نیازهای خدماتی و اجتماعی، دارای نظامی تقریباً مستقل بوده و تأسیسات و تجهیزات مورد نیاز اهالی را در خود جای می‌داده‌است. این نهادها و تجهیزات از نظر کالبدی در فضایی قرار می‌گرفتند که حتی الامکان بهترین نحوه دسترسی را برای همه اهالی فراهم می‌آوردند (بریمانی و شعاع برآبادی، ۱۳۸۸: ۹۲). شهر بیرجند نیز به چند محله عمده به نام‌های «سر ده»، «میان ده» و «ته ده» تقسیم می‌شد که خود این محلات به لحاظ موقعیت ساکنان آن دارای طبقه‌بندی اجتماعی و صنفی بود. بدین ترتیب «بخش قدیمی شهر مسئول شکل‌گیری مداوم و پیوسته در طول چندین قرن، تا اواخر حکومت قاجاریه می‌باشد که پیش از رواج غرب‌گرایی در شهرسازی ایران به وجود آمده و از لحاظ ساخت، بافت و کارکردها نمودار شهر سنتی ایران می‌باشد» (مرادی، ۱۳۷۲: ۳۲۶) تا این زمان جمعیت کم و محدود است و شهر رشد بطئی، کند و آرامی را پشت سر می‌گذارد.



یاقوت حموی در معجم‌البلدان از بیرجند یاد کرده است. آیتی در کتاب بهارستان خود به این نکته اشاره دارد که «در اعصار قدیمه بیرجند قصبه‌ای بوده که مدرسه و چند مسجد و حمام و بازاری کوچک داشته و عده نفوسش بالغ بر پنج‌هزار بوده‌است و از عهد صفویه که خانواده امیریه امارت یافته و در آنجا متوطن شده‌اند روی به تزیید و اعتبار گذاشته‌است» (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۳).

البته باید این نکته را در نظر داشت که براساس شواهد تاریخی، توجه به توسعه بیرجند از دوره صفویه آغاز شده‌است، که دلایل این اهمیت را از یک سو می‌توان با تفکر شیعی دولت صفوی و رونق تجاری منطقه در ارتباط دانست و از سوی دیگر وجود زمینه‌های فکری قبلی در مورد شرق ایران همچون «زد و خوردهای نادر با افغان‌ها، اردوکنشی‌های نادر به هندوستان، حضور استعمار انگلیس در هند و رقابت‌های استعماری روس و انگلیس» (زنگویی، ۱۳۸۸: ۳۱) و در نتیجه افزایش اهمیت ژئوپولیتیکی و سوق الجیشی منطقه، در این مورد موثر بوده است.

همان گونه که اشاره شد موقعیت تجاری بیرجند، یکی از وجوه اهمیت آن است. مک‌گرگر در مورد اهمیت تجاری بیرجند می‌نویسد: «بیرجند بر سر راه کرمان، یزد، هرات، سیستان و شهرهای میان راه واقع شده‌است از این رو بازرگانان شهرهای مختلف به اینجا رفت و آمد می‌کنند» (مک‌گرگر، ۱۳۶۶: ۱۳). زمینه‌های رشد و شکوفایی بیرجند در پی این ارتباطات تجاری فراهم می‌شود و انتقال تدریجی مرکزیت سیاسی، امنیتی و حکومتی از قاین به بیرجند، شاید مهم‌ترین عامل تحول شهر بیرجند باشد که همزمان با آن، نخستین اشکال رشد کالبدی شهر و گسترش آن از هسته اولیه به پیرامون آغاز شد. از این زمان با توجه خاندان امیریه و ساخت و سازهای مورد نیاز حاکم‌نشینانی نظیر ارگ، قصر، قلعه و غیره، شهر از محله چهاردرخت به سمت شرق (قصر حاکم) شمال و شمال غرب (قلعه قدیمی) توسعه می‌یابد (وفایی فرد، ۱۳۸۴: ۱۸۰ و ۱۷۹). محدوده شهر بین این دو قلعه گسترش یافت.

محلّه زاهدان نامیده شد مشرق و قلعه ته ده مغرب شهر بود (فاضلی بیرجندی، ۱۳۸۸: ۲۷). به تدریج ایجاد خیابان های وسیع، از یک سو سبب تخریب بخشی از بازار قدیمی بیرجند موسوم به قیصریه و تا حدودی انتقال مراکز تجاری به حاشیه خیابان شد و از سویی این خیابان ها بعضاً در مسیر باروی بخش قدیمی قرار گرفته و دچار انحنائی گریزناپذیر شده اند (احمدیان، ۱۳۷۴: ۱۵۱). بدین ترتیب نشانه های تحول در بافت تاریخی شهر پررنگ تر گردید. بافت میانی شهر از حدود سال ۱۳۰۰ تا اوایل دهه ۴۰ گرداگرد بافت قدیم شهر شکل گرفت. بافت میانی نیز به موازات این شبکه خیابانی رشد کرد و گسترش یافت. از خصوصیات بارز بافت میانی شهرها، ساخت و سازهای غیربومی، پهن تر بودن کوچه ها، وجود نشانه هایی از خیابان بندی ها به سبک مدرن و همچنین درخت کاری و ساخت پیاده روها و نماسازی مدرن در حاشیه خیابان هاست (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۸۷ و ۸۸).

ایجاد بنگاه خیریه آب لوله در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی (علیزاده بیرجندی و ملک زاده، ۱۳۹۲: ۴۰)، شکل گیری شهرداری بیرجند در سال ۱۳۱۰ و آغاز به کار فرمانداری بیرجند در سال ۱۳۱۶ روند فعالیت های عمرانی و در نتیجه گسترش شهر بیرجند را سرعت بخشید. به تدریج با افزایش جمعیت شهری شکل گیری مراکز مسکونی در گرداگرد بافت قدیمی آغاز شد. «تا سال ۱۳۳۵ هـ ش شهر بیرجند محدوده های از جنوب مسیل کبوترخان و قسمت های جنوب حسینیّه شوکتیه، گذر و میدان چهار درخت، مسجد جامع، مدرسه طلاب و ارگ شهر (در جنوب بافت قدیم) تا قسمت های جنوب قلعه قدیمی (شمال غرب) را که عمدتاً بافت قدیم و اندامواره شهر است، شامل می شود. گسترش آرام شهر در این فاصله زمانی به ایجاد بافتی نسبتاً همگن از نظر شکل، فضا و مصالح ساختمانی و سایر جنبه های حیات شهری انجامیده است» (وفایی فرد، ۱۳۸۴: ۲۱۸).



آغاز توسعه کالبدی شهر بیرجند (وفایی فرد، ۱۳۸۴: ۱۸۱ و ۱۸۲)

ویژگی های کالبدی شهر بیرجند: افزایش روند گسترش

با آغاز شهرسازی نوین در گرداگرد شهر قدیمی و محلات تاریخی، بافت جدیدی شکل گرفت. شروع این دوره مربوط به سال های ۱۳۰۰ تا دهه ۴۰ شمسی است. «اقدامات عمرانی در شهرها و علاوه بر آن افزایش مهاجرت به شهرها نیز خود عامل دیگری در بالا رفتن رشد جمعیت شهری و افزایش ساخت و سازهای داخل شهرها بود. افزایش آپارتمان سازی، تشدید روند ایجاد کارخانجات و تأسیسات صنعتی، رواج شدید بورس بازی زمین، تشدید شیب اجتماعی و طبقاتی در شهرها و گسترش حاشیه نشینی از دیگر ویژگی های شهری در این دوره اند» (مشهدی زاده، ۱۳۸۳: ۴۳۲). شهر بیرجند نیز به تدریج این تغییر و تحولات را تجربه نمود.

الف) تحولات کالبدی شهر بیرجند از ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰

شروع تحولات کالبدی در شهرها که نتیجه حضور اتومبیل و تعریض خیابان هاست و چهره شهر را دیگرگون می سازد از این زمان شکل می گیرد. به طور کلی روند شهرنشینی تا سال ۱۳۲۰ رشد اندکی داشت. آهنگ سریع رشد شهرنشینی بر پایه برآورد "باری یر" از سال ۱۳۲۵ آغاز شد. بیرجند تا پیش از دهه ۱۳۴۰ شهر آرام و کوچکی بود که از هسته اولیه و قدیمی خود تجاوز نمی کرد. رودخانه موسمی مرز شمالی شهر بود. محله کشمان جنوب شهر، محله گذار نیز که بعداً

ب) تحولات کالبدی شهر بیرجند از ۱۳۴۰ به بعد

تحول ناگهانی در رشد جمعیت شهرنشین کشور بر پایه برآورد مرکز آمار ایران از سال ۱۳۴۰ به بعد آغاز شد. زیرا به علت نضج عوامل گریزاننده در روستاها به همراه رشد صنعت و توسعه خدمات و تأسیسات و تجهیزات شهری (عوامل جذب کننده) در اثر درآمد ارزی حاصل از تولید و فروش نفت از سرعت بیشتری نسبت به گذشته برخوردار شد (سلطانزاده، ۱۳۶۵: ۱۸۵). بر همین اساس شهر بیرجند در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۰ تقریباً سه برابر شده است و عمده تغییرات مربوط به بخش شمالی، جنوبی و جنوب شرقی شهر است. از دهه ۱۳۴۰ به بعد محله شکرو (شکراب) با فاصله‌ای از رود در بخش شمالی شهر پیدا شد. فاصله خالی رودخانه تا شکرو، محله خیرآباد نو شد و بعد از آن محله رحیم آباد پدید آمد که جنوب شهر را کم کم گسترده کرد (فاضلی بیرجندی، ۱۳۸۸: ۲۷).

در بیرجند اولین خیابان (نزاری) در شرق بافت قدیمی و در اوایل دوره سلطنت پهلوی احداث گردید که با جهت شمالی-جنوبی از ابتدای بازار شروع و تا روستای رحیم آباد در پای کوه باگران ادامه می‌یافت. سپس از محل دروازه قدیمی شهر، خیابانی به طرف شرق کشیده شد که امتداد آن به جاده زاهدان ختم می‌شد. این خیابان، خیابان نزاری را قطع نموده فلکه نزاری (میدان شهداء) را به وجود آورد (منظور بخش انتهایی خیابان شهید محمد منتظری فعلی است که به خیابان برق معروف بوده است). بعد از آن نوبت به خیابان طالقانی فعلی در جنوب بافت رسید. این خیابان با جهت شرقی-غربی از میان کشتزارهای محله کشتمان عبور می‌کرد و به اصطلاح عوام خیابان کشتمان نیز نامیده می‌شد. امتداد شرقی این خیابان در تقاطع خیابان نزاری به میدان ابوذر فعلی می‌رسید (وفایی فرد، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

اولین خیابانی که آسفالت شد خیابان حکیم نزاری بود. میدان حکیم نزاری طی سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ میدان اصلی شهر بود (فاضلی بیرجندی، ۱۳۸۸: ۵۳۱). پرکردن خشک

رود بیرجند و احداث خیابانی که امروزه جمهوری اسلامی نامیده می‌شود، آسفالت آن و کاج کاری تا قلعه پایین شهر و نیز کاج کاری قطعات دیگری در حوالی زمین‌های حوالی قلعه و گورستان و در مجموع کاشت چهار هزار اصله درخت سرو و کاج مربوط به فعالیت‌های سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ می‌باشد. «احداث دو خیابان برق (منتظری فعلی) و اسدی (شهید مطهری فعلی) در مرکز بافت تاریخی بیرجند بیشترین ضربات را به آن وارد ساخت. تخریب برخی از محلات قدیمی و اتصال خیابان برق به خیابان جمهوری اسلامی موجب شد که ارتباط و پیوستگی محلات شمالی بافت گسسته شود» (وفایی فرد، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

بافت جدید شهر مشتمل بر دو بخش کاملاً متفاوت می‌باشد. کلیه محلات شمال شرقی شهر در امتداد جاده خروجی و نیز مسیل مرکزی پل باغ و همچنین شهرک‌های حاشیه شهر از قبیل کوی شهید مفتح، شهرک گلها و شهرک ولیعصر، جدید و از اواسط دهه ۴۰ تاکنون شکل گرفته‌اند (ثقفی، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

از دهه ۱۳۳۵-۴۵ رشد کالبدی شهر به تبعیت از روند کلی حاکم بر کشور، سرعت بیشتری می‌گیرد به نحوی که گسترش شهر به سمت جنوب رونق پیدا می‌کند. از حدود سال ۱۳۴۳ به بعد رشد کالبدی سریعتر بوده است. محور شمال (شمال مسیل کبوترخان) عمدتاً پس از سال‌های ۴۸ تا ۵۵ ایجاد شده و از نظر کالبدی دارای محیطی یکنواخت و شطرنجی بوده که به صورت شتابزده در نتیجه عملکرد بساز و بفروش‌ها شکل گرفته است. این محور را بیشتر مهاجرین روستایی اشغال کرده‌اند. همچنین قسمتی از محور جنوب شرقی (خیابان معلم) و جنوب تا بیست متری سوم مدرس و مسیل جنوب غربی شهر که ترکیبی شطرنجی و نسبتاً منظم دارد در این مرحله ایجاد شده است (وفایی فرد، ۱۳۸۴: ۲۱۸ و ۲۱۹).

از سال ۱۳۵۵ تاکنون رشد کالبدی شهر بسیار سریعتر از گذشته بوده به طوری که شاید رشد شهر در این دوره برابر

ساختمانی نسبتاً منظم و تمرکز واحدهای اداری-خدماتی جدید به این بخش از شهر، بافت و کارکردهای متنوعی داده است (ثقفی، ۱۳۸۴:۱۴۹).

به پیروی از این تحولات، ساخت و سازهای محلات حاشیه شهر افزایش یافت و پدیده اسکان غیررسمی بیرجند شکل گرفت. «در دهه ۳۵-۴۵ که تقریباً آغاز رشد کالبدی معاصر شهر بیرجند بوده است بیشتر افزایش ناشی از مهاجرت روستایی به شهر و مهاجرت کارمندان دولت و نظامیان در نتیجه توسعه تشکیلات نظامی بوده است که اکثراً در حاشیه بافت قدیم (درشمال، شمال غرب و شرق) سکنی گزیده اند» (ثقفی، ۱۳۸۴:۱۳۸). ساخت و سازهای شتابزده و بدون رعایت قوانین شهرسازی، محلات حاشیه شمالی شهر را با بی نظمی، کمبود تسهیلات و زیرساخت‌ها روبرو ساخته است. به کارگیری مصالح کم مقاومت چهره‌ای روستایی به آن بخشیده و قرارگرفتن گروه‌های مردمی که از روستاهای گوناگون و با عقاید خاص خود در این محلات ساکن شده‌اند، در مواردی سبب ساز ناهنجاری‌های اجتماعی شده است. «وضع خاص توپوگرافیک و وجود تپه‌های متعدد موجب مشکلات کالبدی نظیر شیب زیاد کوچه‌ها و خیابان‌ها در بخش شمالی شهر گردیده است. این وضعیت و همچنین وجود کال «کبوتر خان» و گورستان و کوره‌های آهک‌پزی و کارگاه‌های سفالگری از ابتدا موجب نامرغوبی زمین‌های این بخش شده است. عوامل فوق که موجب ارزانی زمین شده بود به نوبه خود مهاجران روستایی و کارگران کم درآمد را از اواخر دهه ۱۳۴۰ به این قسمت از شهر جلب نمود. توسعه این بخش به ویژه پس از انقلاب اسلامی آهنگی سریعتر یافته، مهاجران افغانی نیز بر ترکیب اجتماعی آن افزوده شدند» (احمدیان، ۱۳۷۴:۱۴۶).

مطالعات مسکن و شهرسازی نشان داده است که

۱۰- درصد از مجموع بناهای مسکونی این منطقه تا سال ۱۳۵۰ ساخته شده‌اند.

۱۷- درصد از مجموع بناهای مسکونی این منطقه در فاصله

با رشد آن در سیزده و نیم قرن گذشته باشد. از سال ۱۳۵۷ به استثنای قسمتی از شمال شرقی و منتهی الیه شهر واقع بر روی تپه‌های خشک، بخش عمده رشد و توسعه کالبدی شهر (بافت جدید) در نیمه جنوبی به طرف دامنه باگران صورت گرفته است. این توسعه محدوده وسیعی را از جنوب خیابان ارتش و بیست متری سوم مدرس تا دشت علی آباد (در شرق)، آن سوی مسیل جنوب غربی و محدوده روستای امیرآباد شیبانی در غرب و آبادی‌های اکبریه و رحیم آباد و سراب (در جنوب شرقی، جنوب و جنوب غربی) در برمی‌گیرد (وفایی فرد، همان).

بافت پیرامونی شهر که از سال ۱۳۵۰ در ایران شکل گرفت و توسعه یافت در واقع در برگیرنده بخش‌های خوابگاهی یا حومه‌های وابسته به کلان شهرهاست. با افزایش جمعیت و مهاجرت به شهرها نیاز به مسکن و رشد و گسترش شهری افزایش یافت. رشد جمعیت به ویژه ناشی از مهاجرت‌های بی‌رویه که به دنبال سرپناهی برای سکونت بودند در نقاط حاشیه‌ای یا خارج شهر، بافت پیرامونی به صورت شهرک سازی را به وجود آوردند (شماعی و پور احمد، ۱۳۸۴:۸۷). گسترش افقی، دگرگونی ساختار کالبدی، شتاب بی‌رویه، افزایش محدوده‌های شهری به اشکال موزون و ناموزون و نادیده گرفتن قابلیت‌ها و فرصت‌های درونی از عمده‌ترین ویژگی‌های این گسترش شتابان است (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶:۱۹۰).

از دهه ۴۰ تا ۶۰ به دلیل محدودیت‌های توپوگرافیکی که در شمال و شمال شرقی شهر وجود داشته است، شهر به سمت جنوب و شرق توسعه پیدا کرده است. سجادشهر و دشت علی آباد از جمله موارد توسعه شهر در دهه‌های اخیر است. در بخش جنوبی شهر که محلات و کوی‌های آن جدید و مربوط به دو سه دهه گذشته تاکنون می‌باشند، سازمان اجتماعی-اقتصادی محله‌ای همانند محلات بافت قدیم وجود ندارد و مرز محلات معمولاً به وسیله خیابان‌های اصلی تعیین می‌شود. ترکیب کالبدی این محلات شامل خیابان‌های شطرنجی، بلوک‌های



مراحل توسعه شهر بیرجند از دهه ۱۳۳۵ به بعد (ثقفی، ۱۳۸۴:۱۲۰)

نتیجه‌گیری

فضای کالبدی شهرهای سنتی با ویژگی‌های خاص معماری خود که برگرفته از حس همکاری، امنیت و رعایت حریم‌های شخصی بود در مواجهه با شهرسازی پیشرونده مدرن، ویژگی‌های خود را از دست داد. با مقایسه گسترش شهر در بخش قدیمی و تاریخی، بخش میانی، بخش جدید و بخش حاشیه‌ای شهر بیرجند سیر این تحول به وضوح آشکار می‌شود. تأثیر عوامل اقتصادی، تجاری، تکنولوژیکی اجزای کاملاً متمایزی را در سیمای شهری ایجاد کرده‌است. بافت قدیمی که با ساخت و سازهای جدید چهره‌ای از هم گسسته پیدا کرده‌است و مسکن آسیب پذیر، محلاتی غیربهداشتی، ساکنین غیربومی که با ناهنجاری‌های اجتماعی روبرو است. بخش میانی شهر که به تدریج آثار فرسودگی در آن نمایان شده و با آپارتمان‌سازی‌های رو به گسترش تجربه متفاوتی از نوسازی را تجربه می‌کند، بخش جدید شهر که خود به چند بخش تقسیم می‌شود؛ محلاتی که در دامنه رشته‌کوه باغران جای گرفته‌اند، گسترش شهر در دشت علی‌آباد و در زمین‌هایی که زمانی جزو اراضی زراعی اطراف شهر بوده‌است. در قسمت شمال شهر نیز شکل‌گیری شهرک‌هایی چون مهرشهر برای جای دادن جمعیت سر ریز شهری و مهاجران روستایی ایجاد شده‌است. محلات حاشیه‌ای شهر در قسمت شمالی و جنوبی گسترش پیدا کرده که البته گسترش در شمال شهر پیشرونده بوده و محدوده زیادی را در بر گرفته‌است. در این میان بافت قدیمی و بافت حاشیه‌ای

سال‌های ۱۳۵۰-۵۷ ساخته شده‌اند. ۷۰- درصد از مجموع بناهای مسکونی این منطقه بعد از انقلاب و به‌خصوص بعد از ۱۳۶۰ ساخته شده‌اند. براساس همین مطالعات بین سال‌های ۱۳۶۳-۶۶ رشد سالیانه جمعیت این منطقه به ۹ درصد رسیده‌است که خود حکایتگر شدت مهاجرت می‌باشد (همان، ۱۴۷).

در سال ۶۳ طرح جامعی طرح‌ریزی شد که در آن جهت گسترش شهر به سمت جنوب در نظر گرفته شده‌بود. نقشه‌ها حاکی از تأیید این گسترش است.

شکل‌گیری بافت اقماری و گسترش ناپیوسته شهر از سال ۱۳۶۰ آغاز شد و در اوایل دهه ۷۰ به اوج خود رسید (شماعی و پور احمد، ۱۳۸۴:۸۸). گسترش افقی شهر بیرجند در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و توسعه عمودی و آپارتمان‌سازی از دهه ۸۰ به سرعت اتفاق افتاد. بدین ترتیب رشد ناهمگون شهر بیرجند با سرعت در تمامی جهات پیش رفته‌است.



مراحل توسعه کالبدی شهر بیرجند از ۱۳۳۵ (وفایی فرد، ۱۳۸۴:۲۳۴)

مشکلات عدیده‌ای را پیش رو دارند. (۱۳۸۶). بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری. تهران:

انتخاب.

• حبیبی، محسن. (۱۳۷۵). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه

تهران.

• حسامیان، فرخ. (۱۳۸۳). شهرنشینی مرحله‌گذار. مجموعه

مقالات شهرنشینی در ایران، آگاه، (صص، ۱۷-۶۸).

• خزائنی، فروزان. (۱۳۵۵). مروری بر تحولات جغرافیایی

شهر بیرجند. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا. دانشگاه

تهران.

• زنگویی، مهدی. (۱۳۸۸). قهستان. تهران: دفتر پژوهش‌های

فرهنگی.

• سلطان زاده، حسین. (۱۳۶۵). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و

شهرنشینی در ایران. تهران: نشر آبی.

• شمعی، علی و احمد پور احمد. (۱۳۸۴). بهسازی و

نوسازی از دیدگاه علم جغرافیا. تهران: دانشگاه تهران.

• شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۴). با شهر و منطقه در ایران.

تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

• علیزاده بیرجندی، زهرا و الهام ملک زاده. (۱۳۹۲). بنگاه

خیریه آبلوله بیرجند به روایت اسناد. بیرجند: فکر بکر.

• فاضلی بیرجندی، محمود. (۱۳۸۸). نمایندگان بیرجند

در مجلس شورای ملی ۱۲۸۵-۱۳۵۷. به کوشش محمود

رفیعی. تهران: هیرمند.

• فرید، یدالله. (۱۳۷۳). «نگرش‌های نوین در بستر

جغرافیای شهری». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۲،

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳، (صص، ۵-۱۴).

• کدی، نیکی. آر. (۱۳۸۱). ایران دوران قاجار و برآمدن

رضاخان (۱۱۷۵-۱۳۰۴). (مهدی حقیقت‌خواه، مترجم). تهران:

ققنوس.

• کلانتری خلیل آباد، حسین و احمد پور احمد. (۱۳۸۴).

فنون و تجارب برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها.

تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی

جهاد دانشگاهی.

پبوستگی فضایی در بافت شهرهای سنتی که منطبق بر

خواسته‌ها و نیازهای شهروندان و البته ویژگی‌ها و شرایط

طبیعی بود در شهرسازی مدرن با ساخت و سازهای بی ضابطه

و ناهمساز در تقابل با خصایص ذاتی شهرنشینان قرار گرفت.

فهرست منابع

• آیتی، محمدحسین. (۱۳۷۱). بهارستان؛ در تاریخ و

تراجم رجال قاینات و قهستان. مشهد: دانشگاه فردوسی.

• احمدیان، محمدعلی. (۱۳۷۴). جغرافیای شهرستان بیرجند

(با اشاراتی به تاریخ و فرهنگ این شهرستان). مشهد:

آستان قدس رضوی.

• اهرلس، اکارت. (۱۳۷۳). «شهر شرق اسلامی؛ مدل

و واقعیت». (محمد حسن ضیاء توانا و مصطفی مومنی،

مترجم). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۱، سال نهم،

شماره پیاپی ۳۲. (صص، ۲۷-۶۵).

• بریمانی، فرامرز و علی شعاع برآبادی. (۱۳۸۸). «بافت قدیم

شهرها جلوه فرهنگ مادی و معنوی شهرهای اسلامی

(مورد: بافت قدیم شهر خواف)». فصلنامه جغرافیا و

توسعه، شماره ۱۵، سال ۷. (صص، ۸۹-۱۱۲).

• بنه ولو، لئوناردو. (۱۳۸۶). تاریخ شهر (شهرهای اسلامی

و اروپایی در قرون وسطا). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

• بذرگر، محمد رضا. (۱۳۸۲). شهرسازی و ساخت اصلی

شهر. شیراز: کوشامهر.

• پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۷۰). «واحد همسایگی». نشریه

صفه، شماره ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

• ثقفی، انوشیروان. (۱۳۸۴). طرح‌های واگذاری اراضی شهری

و نقش آن در توسعه شهر (مطالعه موردی بیرجند). پایان نامه

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری به راهنمایی

دکتر محمدتقی رضویان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده

علوم زمین.

• حبیبی، کیومرث، احمد پوراحمد و ابوالفضل مشکینی.

- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). **تئوری شکل خوب شهر**. (حسین بحرینی، مترجم)، تهران: دانشگاه تهران.
- مرادی، محمود. (۱۳۷۲). **عوامل موثر در توسعه کالبدی شهر بیرجند از قاجاریه تاکنون با تأکید بر سه دهه اخیر**. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مشهدی زاده دهاقانی، ناصر. (۱۳۸۳). **تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران**. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مک گرگر، سی ام. (۱۳۶۶). **شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان**. (مجید مهدیزاده، مترجم). مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس.
- مومنی، مصطفی. (۱۳۷۳). «**سرچشمه‌های جهان بینی و آیین شهرسازی ایرانی-اسلامی (بحثی در کاربرد روش تتبع در شهرپژوهی جغرافیایی)**». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۲، سال نهم، شماره پیاپی ۳۳، (صص، ۴۶-۱۵).
- نیامی، علی و یوسف دانش. (۱۳۴۴). **سازمان‌های محلی تطبیقی**. تهران: دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی تهران.
- وفایی فرد، مهدی. (۱۳۸۴). **در جستجوی هویت شهری بیرجند**. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- یزدانی، محمد حسن و احمد پور احمد. (۱۳۸۶). «**تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی، نمونه تبریز**». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، سال ۲۲، شماره پیاپی ۸۴، (صص، ۲۹-۵۲).

Framework-Spatial Changes of Iranian-Islamic Cities in the Present Age (Case Study: Birjand City)

Javad Mikaniki¹, Razieh Arezoumandan²

1-Assistant Profesor, University of Birjand

2-Bachelor of Geography, University of Birjand

Abstract

Establishing and developing of cites is always under the effects of economic, social, cultural, political and also natural factors and the framework spaces of these cities also has been grown up and created according to these factors. While the present study attempts to investigate and explain the general process of framework and spatial evolutions and changes of Birjand city, then it tries to inspect and scrutinize these changes in two periods of time. The first period is pertained to the time of pre-modernism reflections when the sovereignty of inner-oriented indigenous architecture of Iran in the body of cites represents the perspectives which were in conformity with religious and Islamic beliefs. The second period is the entrance of post modernism period into the life of people; when the city under the influence of quick changes of population growth and urbanization, has got a new appearance to itself and of today outer-oriented modern architecture manifested in all aspects of city life and also surely in bodily and physical spaces of it.

Key words: The Framework and Spatial Changes, Iranian-Islamic Cities, Birjand.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی